

پروژه مطالعه باستان‌شناختی فرهنگ زرتشتیان میبد(یزد): گزارش مقدماتی بررسی مزرعه کلانتر و روستای حسن‌آباد*

حسن فاضلی**

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران

راث یانگ

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه لستر، انگلستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰

چکیده

فصل اول پروژه مطالعه باستان‌شناختی فرهنگ زرتشتیان میبد در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ به انجام رسید. در این راستا، به صورتی موازی بررسی معمارانه و مطالعه مردم‌نگاری در منطقه صورت گرفت که طی آن با توجه به اهداف پروژه و سؤالات پژوهش اجزایی از فرهنگ مادی منطقه مورد بررسی قرار گرفت. در اینجا گزارش مقدماتی فصل اول در دو بخش ارائه می‌گردد. در ابتدا گزارش بررسی معماری ارائه می‌شود که در آن اهداف بررسی و نتایج مقدماتی آن مورد بحث قرار گرفته‌اند. مطالعه معمارانه در منطقه در راستای روشن کردن الگوهای ساختمان‌سازی و گونه‌نگاری معمارانه در نسبت به با شرایط زیستی مردم انجام شد. برای دستیابی به این هدف دودسته کلی از فضا (فضاهای آیینی و فضاهای مسکونی) مورد مطالعه قرار گرفتند. بخش دوم گزارشی از مطالعه مردم‌نگارانه و نتایج آن است. این مطالعه باهدف دستیابی به درکی کلی از تجربه زیستن و شناخت تاریخی مردم محلی از فرهنگ مادی انجام گرفت. بدین منظور با ۹ نفر از اهالی محوطه‌های مورد بررسی با توجه به متغیرهای سن، جنسیت و مذهب مصاحبه صورت گرفت. نتایج حاصل از این بررسی مقدماتی برای دستیابی به چهارچوب‌های اولیه بررسی و مقایسه و تحلیل فصول آینده بررسی در منطقه مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

واژه‌های کلیدی: بررسی معماری، مصاحبه، زرتشتیان

* این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی شماره ۶۹۱ مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری می‌باشد.

۱. مقدمه

برنامه بررسی باستان‌شناختی فرهنگ زرتشتیان میبد، پروژه‌ای است در قالب رویکرد باستان‌شناسی تاریخی (دوره متأخر) که هدف آن شناخت دقیق اجزای فراموش‌شده تاریخ و فرهنگ زرتشتیان در دوره معاصر و نقش تحولات این دوره در تغییر فرهنگ مادی و معنوی این اقلیت مذهبی است. برای دستیابی به این هدف دو محوطه کلان عصر آباد و مزرعه کلانتر برای بررسی انتخاب شدند. عصرآباد محوطه‌ای کاملاً متروک (زمان ترک احتمالاً دهه ۳۰) است که با توجه به سابقه و ساختار محوطه شرایط کاملی برای یک مطالعه عام باستان‌شناختی دارد. باین‌حال با توجه به شرایط فعلی امکان دسترسی به ساکنان قدیم آن وجود ندارد و دستیابی به درکی زنده از فرهنگ آن امکان‌پذیر نیست. در مقابل مزرعه کلانتر، که هم‌اکنون حدود ۹۰ ساکن دارد، تاریخی پیچیده از ترک و احیا را پشت سر گذاشته است. پس از دوره‌ای از ترک نسبی برخی از ساکنین قدیم این محوطه سعی در احیا فرهنگی و اقتصادی آن داشتند و همین سبب شده است که این محوطه حیاتی دوگانه از رها شدن و بازیابی را به خود دیده باشد و از همین جهت مطالعه آن اهمیت بالایی برای شناخت گستره تاریخی درک فرهنگی از شرایط اجتماعی و زیستی زرتشتیان منطقه در دوره متأخر تا زمان حاضر دارد. مسئله دیگری که مطالعه در مزرعه کلانتر را مهم می‌سازد، مرکزیت مذهبی این محوطه (وجود یک آتشکده و ۴ زیارتگاه)، هم‌نشینی مسلمانان و زرتشتیان در آن و آگاهی نسبی از تقسیم‌بندی طبقه و طایفه‌ای در آن است که امکان بالایی برای شناخت نقش تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در صدسال اخیر در تحولات فرهنگی اقلیت‌های مذهبی دارد.

باستان‌شناسی دوره تاریخی/متأخر (*Historical Archaeology*)، رویکردی است در جهت مطالعه گذشته نزدیک و آشنا. این رویکرد سعی می‌کند از طریق گشایش روایتی جایگزین از تحولات تاریخی (که گاه از تجربه یک یا دو نسل فراتر نمی‌رود) ارائه دهد. روایتی که سعی می‌کند با بازشناساندن بافت فرهنگ مادی، ابعاد جدیدی به برساخت اجتماعی و فرهنگی جهان حاضر بدهد و ساخت شکنی در دید به استخوان‌بندی روایت تاریخی ایجاد کند (برای مثال رج کنید به Orser 1996:58-86). یکی از رویکردهای باستان‌شناسی تاریخی مطالعه مردمان بی تاریخ است (Wolf 1982; Scham 2001) که سعی می‌کند با محور قرار دادن گروه‌هایی که اغلب تاریخ و اسناد تاریخی نسبت به آن‌ها سکوت کرده‌اند، بخشی از شیوه زیستن و ساختار اجتماعی آن‌ها را روشن سازد. این نوع مطالعه تنها بر روش‌های باستان‌شناخت مبتنی نیست، بلکه سعی می‌کند بر مبنای ترکیبی از فرهنگ شفاهی، فولکلور و شناسایی ساختار مدرن یک جامعه خاص و مطالعه موازی آن با فرهنگ مادی معاصر و داده‌های حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی، به‌گونه‌ای تحلیلی و بافتی فرایندهای پویای تحول را در کنار هم گردآورد و بر مبنای آن تغییر در ساخت و تحول در فرهنگ مادی را مورد تفسیر قرار دهد.

مطالعه مقدماتی در مزرعه کلانتر (و روستای حسن‌آباد به‌منظور کسب اطلاعات تکمیلی) با محور قرار دادن چهارچوب نظری بالا سعی در پیدا کردن چهارچوب‌های کلی سؤالات فرهنگی و تاریخی قابل پاسخ از طریق فرهنگ مادی را داشت. بدین منظور محور اصلی کار بر مبنای مطالعه ساختار فضاهای مسکونی و اجتماعی و مطالعه فرهنگ شفاهی قرار گرفت. هدف از بررسی معماری از سویی کسب اطلاعاتی مقدماتی از الگوهای معمارانه و از سوی دیگر درک اهمیت تمایزی است که فرهنگ غیرمادی به فرهنگ مادی (در اینجا بر مبنای دو

محور زرتشتی و مسلمان) تسری می‌دهد. هدف از مصاحبه مردم نگارانه، شناخت شرایط ادراکی و خودآگاهی است که سبب پدید آیی هویت و تمایز در دو گروه مذهبی مورد بحث می‌گردد و اینکه چگونه تجربه زیستن در چنین شرایط به فرهنگ مادی منقول و غیرمنقول نظم داده و آن‌ها را از هم متمایز کرده است.

۲. بررسی معماری

برنامه برداشت پلان‌های معماری فضاهای مقدس و مسکونی متعلق به زرتشتیان و مسلمانان در پروژه مطالعه باستان‌شناختی تاریخی و فرهنگ زرتشتیان یزد در میبد، جهت شناخت هرچه بیشتر و بهتر فرهنگ مادی و بافت معماری و استقرار منطقه صورت گرفت. در قالب این پروژه برای مشخص کردن الگوی شکل‌گیری روستا و بافت شهرسازی آن، عکس‌های هوایی از روستا برداشته شد. همچنین جهت درک بهتر مشخصات اصلی و تکمیل اطلاعات و قیاس آن با الگوهای موجود در منطقه میبد، از چند منطقه دیگر نیز که نسبت فرهنگی و تاریخی با روستای مذکور داشتند نیز تصاویر هوایی تهیه شد. در این تصاویر بافت کامل روستا و معابر و تراکم فضاهای مختلف قابل مشاهده است. برای درک کامل‌تر از معماری، پلان برخی فضاهای داخلی نیز مورد مطالعه قرار گرفت.

تصاویر هوایی از روستای مزرعه کلانتر، قلعه، روستای متروکه عصرآباد، روستای متروکه رفیع‌آباد که تنها نیایشگاه آن همچنین پابرجاست، و نیایشگاه پیر خرمن تهیه شد. و پلان فضاهای داخلی در دودسته مسکونی و فضاهای مقدس، متعلق به مسلمانان یا زرتشتیان برداشت شد. از روستای مزرعه کلانتر پلان آتشکده که از جمله مهم‌ترین آتشکده‌های منطقه است و دو زیارتگاه کوچک (پیرون) به‌عنوان فضای مقدس زرتشتیان و همچنین پلان تنها مسجد و حسینیه روستا به‌عنوان فضاهای مقدس مسلمانان تهیه شد، برای فضاهای مسکونی نیز پلان چهار منزل متروک برداشته شد که با توجه به داده‌های مردم‌نگاری و مصاحبه با مردم محلی، یکی از این خانه‌های مسلمان‌نشین بوده و سه پلان دیگر متعلق به زرتشتیان است. هدف اصلی از مطالعه معمارانه در پروژه میبد دستیابی به الگوهای معماری قابل مشاهده در نمونه‌های موجود است که در نهایت برای الگودهی به رفتار فرهنگ ساکنان و سازندگان فضاها در دوره متأخر به کار خواهد آمد. در این نگاه معماری نه تنها به‌عنوان یک شاخصه سبکی- ادراکی برای تمایز بلکه در قالب امری پویا برای درک شاکله رفتاری کاربرد خواهد داشت.

۳. روستای مزرعه کلانتر

یکی از مسائل مهم در بررسی مزرعه کلانتر دستیابی به الگوهای فضا با توجه به دو گروه مذهبی بود. با توجه به ترک روستا در دهه ۴۰ شمسی و سکونت دوباره در آن به علت تجدید منابع آب تغییری کلان در نسبت جمعیت مسلمان و زرتشتی رخ داده به گونه که اکثریت ساکنان امروزه زرتشتی هستند تنها نشانه حضور مسلمانان در این روستا، مسجد و حسینیه‌ای است که در جنوب شرقی روستا در کنار هم بر روی بلندی طبیعی ساخته شده‌اند. این دو بنا علیرغم نوسازی آن‌ها اهمیت بالایی در شناسایی تفاوت دو نوع متفاوت از ساماندهی فضایی دارند. با این حال تنها یکی فضاهای مورد مطالعه وجود داشت که به گواهی ساکنین (غلامرضا مروتی، مزرعه کلانتر ۲۴ مه ۲۰۱۶) متعلق به مسلمانان بود و از حیث نظم فضایی با سایر فضاهای مسکونی تفاوت داشت. الگوی استقرار روستا به صورت متراکم و مناسب شرایط اقلیمی منطقه است و بیشتر معابر روستا نیز

مسقف شده‌اند (ساباط). زمین‌های زراعی روستاییان نیز بلافاصله پس از بخش استقرار روستا آغاز شده و بیشتر در محدوده شمالی روستا قرار دارند (تصویر ۱). مصالح مورد استفاده در این روستا خشت و در بناهای جدیدتر آجر است و در بناهای خشتی پوشش کاه‌گل به برده شده که برای این شرایط آب و هوایی بسیار پرکاربرد و مؤثر است.

آتشکده مزرعه کلانتر از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نیایشگاه‌های منطقه است (تصویر ۲). این آتشکده در شمالی‌ترین قسمت روستا واقع شده و مساحت قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. بخش‌های اصلی آن عبارت‌اند از: حیاط جنوبی، ساختمان آتشکده، حیاط شمالی، دو سالن اجتماعات که برای برگزاری مراسم و پذیرایی می‌باشد. ساختمانی که آتش مقدس در آن قرار دارد یک فضای هشت‌ضلعی است که در ضلع جنوبی آن در یک فضای دایره‌ای شکل آتشدان قرار دارد و درب‌های شیشه‌ای از فضای داخلی جدا شده است. با توجه به اعتقاد زرتشتیان مبنی بر اینکه خوردن و آشامیدن در فضای عبادت صحیح نیست، در آتشکده سالن‌هایی برای پذیرایی و برگزاری مراسم تعبیه شده است.

نوع دیگر از بناهای آئینی در این روستا فضاهای کوچک دیگری که با اصطلاح پیرون خوانده می‌شوند. این فضاها برای یادمان متوفایان ساخته شده‌اند که از نظر ابعاد بسیار کوچک و فقط شامل یک اتاقک دارای یک آتشدان و چند طاقچه هستند که در زمان‌های قدیم با روشن کردن شمع در آن‌ها و کمک به روشن شدن معابر، برای مسافران و عابرین جهت پیدا کردن راه مفید بوده است. این فضاها امروزه کاملاً بسته هستند و کارکرد روشن‌سازی معابر را ندارند، اما به‌عنوان یادبود اشخاص در آن‌ها آتش و شمع روشن می‌کنند و کارکرد ندزی دارند.

یک مسجد و حسینیه در بخش جنوب شرقی روستا نیز به‌عنوان مکان‌های مقدس برای مسلمانان قرار دارد که در برگزاری مراسم اعیاد و عزاداری مسلمانان مورد استفاده قرار می‌گیرند (تصویر ۵ و ۶). مسجد با پلان ساده ستون‌دار و فاقد حیاط یا هرگونه فضای سرباز است، بر روی سکویی ساخته شده که با پنج پله به سطح معبر می‌رسد. این مسجد تماماً با آجر ساخته شده و در مقابل ورودی مسجد که در ضلع مقابل محراب قرار دارد، یک حسینیه برقرار است که پلان آن به‌صورت مربع با حیاط مرکزی است و دورتادور آن را اتاق‌هایی در بر گرفته و مصالح به کار رفت در ساخت این حسینیه با پوشش کاه‌گل پوشانده شده بود. برای درک بهتر فضاهای مسکونی و گونه‌شناسی آن‌ها، ۴ نمونه از این فضاها مورد مطالعه قرار گرفت. از این‌ها، دو فضا متعلق به زرتشتیان و دو فضا منسوب به مسلمانان بود. البته لازم به ذکر است که با توجه به تداوم و شباهت بین پلان‌هایی که در زمان برداشت مسکون بودند و خانه‌های متروک‌شده در این روستا، برداشت از فضاهای متروک انجام شد. در معماری منازل زرتشتیان فضاهای اصلی عبارت بودند از: ورودی، اصطبل احشام، فضای نشیمن، اتاق‌های خصوصی فضای پذیرایی، و آشپزخانه (تصویر ۷). این فضاها با توجه به نیاز در برخی پلان‌ها متفاوت بودند. ورودی خانه‌ها توریفته و مسقف بود و با دو سکو در طرفین مشخص می‌شد. پلان اصلی منازل چلیپایی بوده و مربع وسط چلیپا فضای نورگیر خانه به حساب می‌آمد که امروزه با شیشه‌های مشجر پوشانده می‌شود تا از ورود مستقیم آفتاب جلوگیری شود و اغلب تک‌درختی در زیر این نورگیر کاشته می‌شود. در این پلان خانه‌های منطقه به علت شرایط اقلیمی فضای سرباز وجود ندارد و غیر از نورگیر موجود در مرکز پلان چلیپا، هیچ پنجره‌ای به فضای بیرون دیده نمی‌شود.

در پلان‌های فضاهای مسلمان‌نشین مورد مطالعه (تصویر ۸ و ۹)، تفاوت‌هایی با پلان خانه‌های زرتشتیان دیده می‌شود که به علت کم بودن اطلاعات برای مقایسه و تعداد کم پلان‌ها، نمی‌توان از آن به‌عنوان الگو استفاده کرد و شباهت و تفاوتی را میان آن‌ها استنباط نمود. اما در پلان خانه مسلمان‌نشین، چیدمان فضاها برخلاف پلان چلیپایی زرتشتیان، به صورت خطی است. برای مقایسه بهتر پلان‌های زرتشتیان با یکدیگر و درک بهتر شباهت‌ها و تفاوت‌ها، پلان آتشکده‌های روستاهای اطراف نیز برداشته شد. نکته جالب توجه این بود که در دو مورد، با اینکه بافت استقرار و مسکونی کاملاً متروک شده بود، اما نیایشگاه آن زنده نگه داشته شده بود و اهالی سعی در بازسازی و احیاء بهتر این بناهای مقدس داشتند. آتشکده روستای حسن‌آباد در محل خانه مسکونی یکی از ساکنین بوده پس از بازسازی به آتشکده تبدیل شده است. این بنا دارای پلان ساده مستطیل است که فضای آتشدان با درب شیشه‌ای از محیط آتشکده جدا شده است. مانند دیگر آتشکده‌ها این فضا نیز دارای آشپزخانه و سالن پذیرایی برای برگزاری مراسم می‌باشد (تصویر ۸).

در بنای قلعه در شرق مزرعه کلانتر که بنا به اطلاعات مصاحبه قبلاً محل سکونت افراد زیادی بوده است نیز آتشکده‌ای قرار دارد. این آتشکده نیز با توجه به ترک کامل قلعه، تنهای بنای پابرجای آن است. در اینجا آتشدان در یک فضای مربع با سقف گنبدی قرار دارد که از چهار طرف بسته است، طبق گفته‌های متولی (رستم شهریاری، مصاحبه در محل قلعه مزرعه کلانتر) این اتاق در گذشته، با طاق‌هایی که در چهار طرف آن قرار دارد و در حال حاضر مسدود است، به فضاهای دیگر مجموعه ارتباط داشته است. برای حفظ امنیت فضا در حال حاضر تمامی طاق‌های فوق مسدود شده‌اند. فضاهای اصلی آتشکده‌ها در اطراف این بنا کاملاً مشهود است ولی به‌غیر از ساختمان آتشکده و آشپزخانه و انبار آن، باقی فضاها از جمله فضای پذیرایی به ویرانه تبدیل شده است.

آتشکده پیرمهر ایزد در روستای متروک رفیع‌آباد نیز یکی از نیایشگاه‌هایی بود که با توجه به متروک بودن روستا همچنان روشن نگه داشته می‌شد. در این بنا ساختمان آتشکده سالم و مورد استفاده بود اما سایر بخش‌ها مانند سالن‌های پذیرایی با توجه به عدم استفاده آن‌ها، بسته بودند و در نتیجه شناخت از این فضاها ناقص است. در آتشکده پیر مهر ایزد آتشدان در اتاقی قرار دارد که برخلاف آتشکده مزرعه کلانتر، محصور نشده است و این اتاق حدود ۲۵ سانتیمتر از دیگر فضاها پایین‌تر بود. یک در که در حال حاضر بسته است. این فضا را به فضای آزاد ارتباط می‌داده است. در یک اتاق کوچک مستطیل شکل نیز آتشدان کوچکی قرار داشت که با وجود یک سکو در آن فضا احتمالاً برای نیایش استفاده می‌شده است. یک نیایشگاه نیز به نام پیر خرمن مورد مطالعه قرار گرفت که در این نیایشگاه آتشدان بزرگ وجود ندارد بلکه فقط در یک سکو در دیوار آتشدان کوچکی قرار دارد و باقی فضاها به صورت اتاق‌های ساده طراحی شده‌اند (تصویر ۱۰).

۴. مصاحبه و مردم‌نگاری

برنامه مصاحبه و مطالعه فرهنگ شفاهی زرتشتیان روستای مزرعه کلانتر در بهار سال ۱۳۹۵ در قالب پروژه مطالعه باستان‌شناختی تاریخی فرهنگ زرتشتیان ایزد در میبد صورت گرفت. علاوه بر ساکنان روستای مزرعه کلانتر مصاحبه تکمیلی نیز با زرتشتیان روستای حسن‌آباد انجام گرفت تا اطلاعات به‌دست‌آمده از مزرعه کلانتر کامل و برخی از نواقص و نقطه‌نظرهای متفاوت روشن گردد. فرایند مصاحبه در قالب فرصت یک‌هفته‌ای که برای بررسی اولیه در آن منطقه وجود داشت صورت گرفت. هدف از مصاحبه دستیابی به

چهارچوبی از درک اهالی از فرهنگ مادی مورداستفاده در دوره جدید و کسب اطلاع در مورد تأثیر وقایعی بود که در دوره متأخر در ایران روی داده و اینکه چگونه شرایط اجتماعی و فرایندهای تاریخ در برهم‌کنش با ساکنان منطقه به زندگی آن‌ها شکل داده و منظر فرهنگی را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۵. روش و رویکرد مصاحبه

مصاحبه‌ها به صورت شفاهی انجام‌گرفته و در قالبی آزاد با توجه به تعداد پرسش‌شوندگان نظم داده شد. سؤالات به صورت آزاد با توجه به شرایط و زمان از مطلعان پرسیده می‌شد. افرادی که برای پرسش انتخاب می‌شدند اغلب با توجه به هدف پروژه افراد مسن بودند (۶۰ سال به بالا) اما با توجه به شرایط از افراد جوان‌تر (حدود ۵۰ ساله) نیز پرسش به عمل آمد. کمیت موارد مصاحبه به دلیل فرصت محدود و با توجه به جمعیت محدود روستای موردنظر (کمتر از ۹۰ نفر) و همچنین هدف مطالعه که کسب اطلاعات جانبی بود انتخاب گردید که در مجموع بالغ‌بر دوازده نفر شدند. در این میان ۸ نفر از مزرعه کلانتر و ۳ نفر از حسن‌آباد برای مصاحبه انتخاب شدند. جنسیت در فرایند پرسش و انتخاب سؤالات نقش کلیدی داشت باین‌حال تفاوت در کمیت جنسی بیشتر حاصل شرایط دسترسی به پرسش‌شوندگان بود تا گزینش هدفمند و به همین دلیل از میان دوازده مصاحبه‌شونده، ۸ نفر زن و ۴ نفر مرد بودند. عامل اصلی در گزینش مصاحبه‌شوندگان در ابتدا نوع مذهب (اغلب زرتشتی) و سپس سن بود. از میان ۱۲ نفر مصاحبه‌شونده، ۱۰ نفر زرتشتی و ۲ نفر مسلمان بودند که شامل یک مرد (حدود ۵۰ سال) و یک زن (حدود ۹۰ سال) می‌شدند. عامل دوم از جهت اهمیت سن بود. بنابراین تا حد ممکن از افراد مسن مزرعه برای مصاحبه دعوت می‌شد (۶۰ سال و بیشتر) جوان‌ترین گروه برای مصاحبه از روستای حسن‌آباد (دو زن و یک مرد) بودند که سنی در حدود ۵۰ سال داشتند. مسن‌ترین مصاحبه‌شونده از میان کل افراد، زنی مسلمان از ساکنان مزرعه کلانتر بود که بیش از ۹۰ سال (تخمین اهالی مزرعه) سن داشت.

قالب اصلی سؤالات رویکردی کیفی داشت که به منظور دسترسی به اطلاعاتی خام از تجربه زیستن در مزرعه کلانتر انجام گرفت. نکته کلیدی یک رویکرد کیفی در مصاحبه‌های باستان‌شناختی دوره متأخر این است که هسته اصلی هر مصاحبه خاطره و حافظه از تجربه زیستن در یک دوره خاص است. عمدتاً یادآوری مصاحبه‌شوندگان از زیستن در روستا و شرایط تاریخی و اجتماعی، مجموعه‌ای پراکنده از وقایع و خاطرات است. در فرایند مصاحبه انجام‌شده در مزرعه کلانتر و روستای حسن‌آباد ضمن اینکه سؤالات موردنظر پژوهندگان پرسیده می‌شد، تلاش بر این بود که در فرایند یادآوری دخالتی نشود. تقریباً از ۷ جلسه مصاحبه ۶ جلسه به صورت مشترک با دو نفر یا بیشتر صورت می‌گرفت که به جز یک مورد اغلب افرادی بودند که مصاحبه با آن‌ها صورت گرفته‌شده بود. بنابراین وظیفه مصاحبه‌گر ضمن انجام مصاحبه درک ارتباط بین فرد حاضر برای دستیابی به خاطره‌ها و درواقع تفسیر شرایط پاسخ‌دهی با توجه به شرایط مصاحبه و مصاحبه شوند نیز بود. بنابراین مصاحبه با آزادی تمام برای مصاحبه‌شونده صورت می‌گرفت. مصاحبه ضبط‌شده و گفت‌وگو روز بعد بر روی کاغذ پیاده می‌شد. در مرحله نوشتن مصاحبه تمام شرایط انجام مصاحبه توسط محققان موردبحث قرار گرفته و پاسخ‌ها با توجه به شرایط گفت‌وگو از حیث میزان صحت و صداقت نسبی سنجیده شده و با توجه به نتایج، پرسش‌های بعدی برای جلسات بعد آماده می‌گردید.

عمده‌ترین مسئله برای باستان‌شناسان، شرایط و تحول بدنه فرهنگ باستان‌شناختی در روستا در طی صدسال اخیر بود. با توجه به این رویکرد تمرکز بر پرسش‌هایی بود که اطلاعاتی از درک و تجربه اجتماعی بدهد. از سؤالات کلیشه‌ای و حاشیه مربوط به آداب‌ورسوم تا آنجا که ارتباطی به شرایط زیستی، اجتماعی و به‌ویژه تاریخی نداشت خودداری می‌گردید. موضوعات اصلی پرسش‌ها به ترتیب شامل موارد ذیل می‌گردید:

الف: فرهنگ مادی: معماری، اشیاء منقول و چگونه تغییر و ایجاد در آن‌ها.

ب: تاریخ روستا: چگونگی شکل‌گیری بدنه مادی روستا و تغییرات رخ داده در آن، شرایط سکونت، مهاجرت و شیوه معیشت.

ج: تمایز: چگونه می‌توان معماری و سکونتگاه زرتشتی را تشخیص داد. آیا ارتباط بین جمعیت زرتشتی و مسلمان نقش خود را بر فرهنگ مادی بر جای گذاشت.

د: تأثیر وقایع تاریخی کلیدی بر تغییرات فرهنگ مادی و غیرمادی (جنگ بین‌الملل دوم، تغییرات و انقلابات داخلی و به‌ویژه اصلاحات ارضی در زمان پهلوی دوم).

ه: ساخت اجتماعی و سیاسی خرد: روابط بین فردی و بین گروهی، نحوه اداره روستا، ساختار خانواده و جنسیت.

هرچند سؤالات در قالب‌های فوق جای می‌گرفتند با این حال تلاش می‌شد تا چنین نظمی در حین مصاحبه حس نگردد و مصاحبه‌شوندگان به صورتی اتفاقی و با توجه به سطح دانش و تجربه مورد پرسش قرار می‌گرفتند. پاسخ به سؤالات کاملاً اختیاری بود و تلاش می‌شد تا بر پرسش خاصی تأکید نگردد تا بدین صورت بتوان صادقانه‌ترین پاسخ‌ها را دریافت داشت. همچنین محدودیت زمانی در حین مصاحبه وجود نداشت و مصاحبه‌شوندگان با آزادی تمام و به صورت مختلف به پرسش‌ها پاسخ می‌دادند. یکی از خواص این نوع آزادی در پرسش‌ها این بود که امکان بهره‌گیری از روایات شخصی و گروهی را به مصاحبه‌کنندگان می‌داد تا بتوان ضمن دستیابی به پاسخ‌های مستقیم، امکان تحلیل پاسخ‌های غامض و چندلایه را به دست آورد.

کیفیت و داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها: در تمام مصاحبه‌های انجام‌شده، محور اصلی پرسش‌ها شناسایی فرهنگ مادی زرتشتی در تمایز با فرهنگ مادی مسلمانان در روستای موردنظر بود: اینکه چه چیزی یک روستا را به‌طور خاص روستایی زرتشتی می‌کند. برای پاسخ دادن به این سؤال سعی بر استخراج خاطرات و درک مصاحبه‌شوندگان از محیط روستا و به‌ویژه ویرانه‌هایی شد که در اطراف روستا وجود دارند و درک کارکرد آن‌ها نیازمند تحقیقی مستمرتر است. طبعاً قصد از پرسیدن سؤال در مورد ویرانه‌ها به‌سادگی درک چيستی فضاها نبود (که به‌رحال پاسخ به آن مخدوش و فاقد اطمینان لازم است) بلکه چگونگی دید و نگاه اخلاف ساکنان بناها به بقایای گذشته خویش بود.

۶. مزرعه کلانتر

مهم‌ترین نکته در مورد مصاحبه در مزرعه کلانتر پیوند محکمی است که بین ساکنان فعلی روستا وجود دارد. مزرعه کلانتر در حدود دهه ۳۰ شمسی بر اثر کمبود آب تقریباً متروک گردید، پس از دو دهه بر اثر اقدام خیری زرتشتی با حفر چاهی دوباره صاحب رونق گردید (بهی جوانمرد، مصاحبه: ۲۰ می ۲۰۱۶). در کنار آن دهیار فعلی روستا که جزو پیشروان ارزش به میراث فرهنگی زرتشتیان بسیاری از اهل قدیم را دوباره به روستا بازگردانید. وی تقریباً در تمام مصاحبه‌ها حاضر بود. حضور وی سبب می‌گردید که پرسش‌شوندگان در

پاسخ‌دهی به برخی از سؤالات سعی می‌کردند با توجه به محدودیات اجتماعی از جواب دادن به همه اجزای سؤال (به‌ویژه هنگامی به نظر مصاحبه‌شونده پاسخ‌گویی به زرتشتیان ضرر فرهنگی برساند) خودداری کنند. از میان ۹ نفر مصاحبه‌شونده در مزرعه کلانتر، ۷ نفر زرتشتی و ۲ مسلمان بودند. با توجه به هدف اصلی که مطالعه فرهنگ مادی زرتشتی بود، نوع و کیفیت سؤالات از مصاحبه‌شوندگان مسلمان با مصاحبه‌شوندگان زرتشتی برابر بود و هدف دستیابی به تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بود که در پاسخ‌ها قابل مشاهده بود.

مزرعه کلانتر روستایی است با وسعتی حدود یک هکتار که در حدود یک کیلومتری شمال آن مجموعه ساختمانی جداگانه‌ای قرار دارد که رفیع‌آباد نامیده می‌شود. همچنین در ضلع غربی روستا فضای محصور با برج و بارو قرار دارد که قلعه نامیده می‌شود. حجم بالایی از سؤالات در مورد ماهیت فضاهای فوق و ویرانه‌های اطراف آن‌ها به‌ویژه زیارتگاه شمالی و قلعه بود. فضای قلعه، همواره متمایز از مزرعه کلانتر محسوب می‌شد علیرغم اینکه از نظر اداری تابع مزرعه کلانتر بوده و طایفه ساکن (عمدتاً جمشیدی) در مزرعه کلانتر نیز ساکن بوده است (رستم شهریاری، مصاحبه). محدوده رفیع‌آباد شامل محدودی فضاهای ویرانه می‌شود که در مرکز آن زیارتگاهی دایر قرار دارد. طی مصاحبه اخلاف ساکنان محوطه رفیع‌آباد در مورد شیوه معیشت و روابط اجتماعی، نظم فضایی و شرایط فرهنگی اطلاعاتی را در اختیار محققان قرار دادند. این به‌ویژه از این جهت حائز اهمیت است که ویران شدن محدوده فوق در طول یک نسل رخ داده بود و خاطراتی زنده از شیوه زندگی در آن محیط وجود داشت. طی مصاحبه در رفیع‌آباد که با اعضای یکی از خانواده‌های محوطه صورت گرفت صورت فضاهای زندگی در محوطه مورد واکاوی قرار گرفت (مصاحبه با فرامرز خادمی، سرور خادمی، گلرخ خادمی و کتایون خادمی، رفیع‌آباد). یکی از شاخصه‌های مهم مصاحبه در محوطه روشن شدن مرزهای ادراکی و فیزیکی بین فضاهای مختلف به‌ویژه خانه‌ها، زمین‌های کشاورزی و مجموعه‌های ساختمانی بود. برای مثال از مکان دیگری در حدود ۶۰۰ متری رفیع‌آباد سخن گفته شد با عنوان «ویرونه» که ساکنان آن محل جدا از ساکنان رفیع‌آباد به شمار می‌آمدند. در این محل اکنون تنها یک بنای ویران قرار دارد. اینکه چه عاملی مبنای این مرزبندی و فاصله بوده مشخص نیست اما این محتمل است که مالکیت کلان زمین توسط ارباب عامل این جدایی بوده باشد. یک نشانه بر این دلیل مصاحبه جداگانه با کتایون، گلرخ و سرور هاشمی است (در مزرعه کلانتر) که از مکان دیگری در کنار مزرعه کلانتر سخن گفتند با عنوان «مهران» که ساکنان آن در زمین ارباب متفاوتی زندگی می‌کردند.

زمین‌داران عواملی کلیدی در تقسیمات زمین نه‌تنها در رفیع‌آباد بلکه در کل روستا بودند. عمده روستا متعلق به محدودی زمین‌دار (عمدتاً زرتشتی) عمده و تعدادی خرده‌مالک بود. عمده خانه‌های روستا نیز متعلق به زمین‌داران بوده است که به‌رایگان در اختیار ساکنان روستا قرار می‌دادند. بنابراین هم فضاهای مسکونی و هم فضاهای کار توسط زمین‌داران نظم داده می‌شد. قطعات زمین‌ها ابعاد مشخص و ثابتی داشت و به‌تبع آن میزان محصول و اجاره زمین نیز ثابت بود و همواره باید پرداخت می‌شد (مصاحبه با پردخت جمشیدی، زیارتگاه پیر خرمن مزرعه کلانتر). این تنها ساکنان زمین بودند که تغییر می‌کردند و این نکته‌ای مهم در درک فرهنگ مادی محوطه‌های مزرعه کلانتر است.

مسئله دیگر که در درک فرهنگ مادی لازم به ذکر است و مصاحبه‌شوندگان رفیع‌آباد به آن اشاره کردند، نوع و شرایط تقسیم‌کار است. کشاورزی عامل اصلی تأمین معیشت در تمام محوطه‌های تحت بررسی این

پژوهش است. اما کشاورزی تنها روش تولید نبود و در کنار آن تولید کشاورزی تنها محدود به کالاهای معیشتی نبود. از سویی پنبه جزو تولیدی‌های مهم مزرعه کلانتر محسوب می‌شد که پس از پرداخت سهم ارباب، به‌عنوان یک عامل مهم در جذب نقدینگی و به جریان انداختن اقتصاد پولی به کار می‌آمد. از سوی دیگر، تولید و به‌ویژه بافندگی (که شامل بافت فرش نمی‌شد) عامل فرعی دیگری در تولید به‌حساب می‌آمد (مصاحبه با فرامرز خادمی، سرور خادمی، گلرخ خادمی و کتایون خادمی و بهی جوانمرد، رفیع‌آباد). این بخش از فعالیت توسط زنان انجام می‌گرفت. این مسئله به همراه این واقعیت که زنان در کارهای کشاورزی همکاری تام داشتند و رسیدگی به امور خانه نیز بر عهده آنان بود به‌خوبی از نقش زنان در فعالیت‌های روزمره حکایت دارد. محدوده‌ای که با عنوان «قلعه» نامیده می‌شود، فضایی مستحکم و محصور در شرق مزرعه کلانتر است. عمده اطلاعات در باب قلعه از طریق مصاحبه با رستم شهریاری خادم زیارتگاه داخل قلعه (تنها فضای پابرجای درون محوطه) به‌دست‌آمده است (رستم شهریاری، مصاحب). آنچه سبب تمایز قلعه از سایر محوطه‌های این پژوهش می‌گردد، از یک‌سو استحکاماتی بودن فضای مجموعه و از سوی دیگر شباهت تام فضاهای مسکونی به یکدیگر است. هر خانه یک ورودی جانبی به خانه کناری داشت. به گفته رستم شهریاری سبب این شباهت ساخته‌شدن دفعی محدوده فوق توسط یک ارباب مسلمان در زمانی حدود دو قرن پیش از زمان حاضر بود که این فضا را برای سکونت مجموعه‌ای کشاورزان زرتشتی ساخت. باین‌حال این به‌خوبی روشن نمی‌کند که چرا محدوده دارای برج و باروست. آنچه مسلم است آنکه در فاصله سه کیلومتری دیوارهای قلعه، دیوارهایی در جهت باد برای محافظت از زمین‌های کشاورزی ایجاد شده است. موردی که دوباره در مزرعه کلانتر مشاهده نمی‌گردد. بنابراین به نظر می‌رسد که قلعه حاشیه‌ترین بخش قابل سکونت در محدوده مزرعه کلانتر بوده و به گونه مانع و رادع (طبیعی و در مقابل هجوم انسانی) به شمار می‌آمده است.

به گفته شهریاری، ساکنان قلعه عمدتاً از یک طایفه بوده و قلعه در زمان آبادی چنان پرجمعیت بوده که از آن با عنوان «هند کوچک» نام‌برده می‌شد. در قلعه حدود ۴۰ خانه وجود داشته و حدود ۷۰ تا ۸۰ نفر ساکن آن بودند. جمعیتی که با توجه محدودیت وسعت قلعه عنوان هند کوچک را شایسته می‌سازد. ترک قلعه، برخلاف رفیع‌آباد (که بر اثر از دست رفتن منابع آب پیش آمد) به‌درستی مشخص نیست. شهریاری عامل اصلی را تمایل مردم به بهبود سطح زندگی خویش و مهاجرت به شهر ذکر می‌کنند. به‌هرحال ترک قلعه در سال ابتدایی دهه ۳۰ شمسی و پیش از اصلاحات ارضی پهلوی دوم رخ داده است. هم‌اکنون در فضای قلعه زیارتگاهی در مرکز دیوار شرقی وجود دارد که سبب شده تا این بخش شرایط بهتری داشته باشد.

آخرین نکته‌ای که در مورد مزرعه کلانتر باید ذکر شود و اطلاعات حاصل از مصاحبه کمک شایانی به روشن شدن آن می‌کند مسئله معماری مسکونی در مزرعه و تفاوت بین فرم سکونتگاه مسلمانان و زرتشتیان است. فرم اصلی خانه در مزرعه کلانتر، پلانی چلیپایی دارد که در مرکز چلیپا فضایی مربع شکل به ابعاد یک متر در یک متر برای کاشت درخت به کار می‌رود. سؤال اصلی این بود که آیا مسلمانان نیز در چنین فضاهایی سکونت می‌کردند. طبق مصاحبه‌ای که با غلامرضا مروتی از مسلمانان ساکن مزرعه کلانتر انجام شد. بسیاری از مسلمانان نیز در خانه‌های چلیپایی ساکن بودند. اما این خانه‌ها اغلب توسط اربابان زرتشتی ساخته می‌شد و در اختیار کشاورزان (زرتشتی و مسلمان) قرار می‌گرفت. باین‌حال وی محدودی از خانه‌ها را نشان داد (در محلی که اکنون در حاشیه آن مسجد مزرعه قرار دارد) که تفاوت شایانی با پلان رایج داشت یعنی پلانی خطی که در آن

فضا پشت سر هم قرار می‌گرفتند. به گفته مروتی این فضاها توسط مسلمانان ساخته شده و توسط آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت (غلامرضا مروتی، مصاحبه در محل مزرعه کلانتر). با این حال و علیرغم این تفاوت، از حیث کارکرد تمام فضاها شباهت تام به یکدیگر دارند. در تمام خانه‌ها از جهت فرم و کارکرد فضاهایی برای کار نساجی (موسوم به «چال» چون نصب ماشین بافندگی سبب ایجاد فرورفتگی در زمین می‌شد)، ذخیره علوفه و نگهداری حیوانات، انبار مواد خوراکی، آشپزخانه، اتاق خواب و اتاق نشیمن وجود داشته است. بنابراین نیاز است که مسئله تفاوت در فرم خانه‌ها به دقت مورد بررسی قرار گرفته و در بافت مطالعه شود.

۷. روستای حسن‌آباد

مصاحبه در روستای حسن‌آباد به منظور درک و واریسی ویژگی‌های عام جامعه زرتشتی و در چهارچوبی تکمیلی نسبت به مزرعه کلانتر انجام گرفت. بنابراین محتوای سؤالات و روش کار ماهیتی مشابه با مورد مزرعه کلانتر داشت تا بتوان تناقضات و تفاوت در نوع نگاه را میان جمعیت زرتشتیان میبد تشخیص داد. مزرعه کلانتر به گواهی خود ساکنان (مصاحبه با ارسطو شاهدی) جدیدتر از مجموعه مزرعه کلانتر می‌باشد و بنابراین باز به گواهی خود ایشان (شهناز سهرابی، مهتاب کیانیان، حسن‌آباد) معماری و ساخت روستا هیچ شباهتی به معماری در مزرعه کلانتر ندارد. مسئله کلیدی دیگر در مورد حسن‌آباد این است که برخلاف مزرعه کلانتر که در آن زرتشتیان همواره اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دادند، در حسن‌آباد نیمی از جمعیت مسلمان و نیمی زرتشتی بوده‌اند (مصاحبه با ارسطو شاهدی، حسن‌آباد) این امر امروزه صدق نمی‌کند که تقریباً از میان ۱۳۰۰ نفر جمعیت حسن‌آباد تنها ۲۵ نفر زرتشتی ساکن روستا هستند.

بنابراین، انتظار می‌رود که شرایط جامعه مسلمانان در حسن‌آباد کاملاً حس گردد. با این حال تقسیم روستا به دو بخش زرتشتی و مسلمان‌نشین کاملاً مشهود است. تقریباً دو کوچه طویل که محل سکونت زرتشتیان بوده و هستند، ساخت و بافت قدیمی خود را حس کرده‌اند. این در حالی است که بخش مسلمان‌نشین بخشی نوساز بوده و گسترش آن به سمت میبد آشکار است. در اینجا باید این تذکر داده شود، که علیرغم وقوع حجم بالایی از مهاجرت به خارج از هر دو محوطه روستایی در چند دهه اخیر، ساختار فضاها تغییر چندانی نکرده است. عامل اصلی این امر اهمیت سنتی است که زرتشتیان به میراث گذشتگان خود می‌دهند و بنابراین به‌ندرت حاضر هستند، حتی در صورت ویران شدن بنای خود، تن به فروش یا تغییر در ساختمان آن بدهند. در کنار این امر بازگشتی طولانی‌مدت پس از ترک یک فضا به آن روی می‌دهد. این بازگشت، جدای از تلاش برای حفظ میراث، به‌منظور بزرگداشت مردگان صورت می‌گیرد که می‌بایست تا ۳۰ سال پس از مرگ هر سال مراسمی یادمانی (موسوم به «گاه‌بارخوانی») در بزرگداشت مرده برپا گردد.

بنابراین، در فرهنگ زرتشتی، میراث مادی عمری بالاتری از حیات انسان به خود می‌گیرد. حفظ، یادمان و بازگشت از جایگاه بالایی در فرهنگ زرتشتی برخوردار است. مسئله‌ای که از سوی به دلیل دیازپورای ۱۵۰۰ ساله زرتشتیان و مهاجرت آن‌ها به نقاط مختلف دنیا، سطح بالایی از انسجام فرهنگی را می‌طلبد. بنابراین در مطالعه فرهنگ مادی زرتشتی، نکته‌ای که حداقل امروزه کاملاً مطرح است سطح تماس بسیار بالای بین اعضای این فرهنگ است که در آن فاصله نسبت منطقی خود را که در سایر موارد مطالعه باستان‌شناختی دوره مدرن صدق می‌کند از دست می‌دهد.

۸. نتیجه

فصل اول بررسی باستان‌شناختی در منطقه میبد، چهارچوب اساسی مطالعات آینده در منطقه را روشن کرد. از یک سو مطالعه در فضاهای معماری (فضاهای مذهبی و ۴ فضای مسکونی مورد مطالعه)، الگوهای اصلی چینش فضایی و تمایزات سبکی و ارگانیک را در این چینش مشخص نمود. از سوی دیگر مصاحبه‌های انجام‌شده (با ۹ نفر از اهالی مزرعه کلانتر و حسن‌آباد) نشان داد که اهالی مزرعه کلانتر و حسن‌آباد چگونه محیط پیرامون خویش را مورد قضاوت قرار داده و آن را سازمان‌دهی کرده و نسبت خود را با تمایزات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مشخص می‌کردند. بنابراین، زندگی روزمره را مجموعه‌ای از عوامل انسان‌شناختی - اجتماعی - اقتصادی (خانواده، ساخت خویشاوندی، مذهب، کشاورزی، سیاست و روابط طبقاتی) و فیزیکی (معماری و فضا، شبکه ارتباطی و سایر اجزای فرهنگ مادی) در برمی‌گرفته که در قالبی کنش‌مند تجربه و سازمان‌دهی می‌شدند. در این مقاله برخی از جزئیات این نظم ساختار-کنش حاصل از مطالعه معماری و مصاحبه مردم‌نگاشتی توصیف شدند. نتایج فعلی نشان می‌دهد که ساکنان وابستگی تامی به موطن و سرزمین خویش داشتند، مسئله‌ای که هم شرایط محیطی و مادی را شکل می‌دهد و هم‌مرزهای فیزیکی و تطورات فرمی را تا حد زیادی ثابت نگه می‌داد. تمایزات مذهبی (مسلمان-زرتشتی) و درون مذهبی (طبقه، خویشاوندی، جنسیت، وابستگی به زمین‌دار) ظاهراً ذیل اهمیت وابستگی به موطن قرار داشتند. تساهل مذهبی بین مسلمان و زرتشتی و عدم تمایل زرتشتیان برای فروش خانه‌های آبا و اجدادی همه نمودهایی از این وابستگی به موطن هستند. این مسئله به‌ویژه در سایه مهاجرت بین‌المللی زرتشتیان و خروج آن‌ها از ایران جالب‌توجه است. به‌ویژه که نشان می‌دهد نقل و انتقالات فرهنگی گرچه محدود بوده است، اما، حتی پیش از پدیدآیی روش‌های جدید حمل‌ونقل، در شبکه‌ای بسیار وسیع و پراکنده صورت می‌گرفته است. بنابراین، گرچه مطالعه باستان‌شناختی در پژوهش محدود به منطقه میبد است اما شبکه ارتباطی بین‌المللی اقلیت‌های مهاجر، درک بافتی و ساخت‌مند فرایندهای تحول و تداوم فرهنگی را پیچیده و متمایز از رهیافت‌های بافتی معمول می‌سازد.

پژوهش حاضر در نخستین گام‌های خود می‌باشد و امید است که در مهر و موم‌های آتی با کاوش‌های باستان‌شناسی در مزرعه کلانتر و روستای عصرآباد جزئیات بیشتری از ساختار اجتماعی و فرهنگی زرتشتیان ایران در ۶۰۰ ساله اخیر روشن شود. یک چنین پژوهش‌هایی را بایستی جزو پروژه‌های نجات بخشی محسوب کرد و متأسفانه دیر یا زود بسیاری از مشخصه‌های فرهنگی ایرانیان ساکن در روستاهای زرتشتی بنا به دلایل تاریخی رو به نابودی است. لازم به ذکر است که هم‌اکنون سازمان میراث فرهنگی بیشتر متمایل به ثبت تاریخی آثار ایران در یونسکو می‌باشد که بیشتر مرتبط با بناهای بسیار بزرگ و عام‌المنفعه بوده است و کمتر گرایش به ثبت معنوی و مادی آثاری که مربوط به مردمان عادی است داشته است. لذا ثبت روستاهایی همانند مزرعه کلانتر به‌عنوان یک اثر ملی ضرورت دوچندان می‌یابد. امید است که این مهم به‌زودی تحقق یابد و سازمان میراث فرهنگی با ثبت کل روستای مزرعه کلانتر به‌عنوان میراث مشترک مسلمانان و زرتشتیان در یونسکو گام مهمی برای جهانی‌شدن فرهنگ کهن ایران ایفا نماید.

تشکر و قدردانی

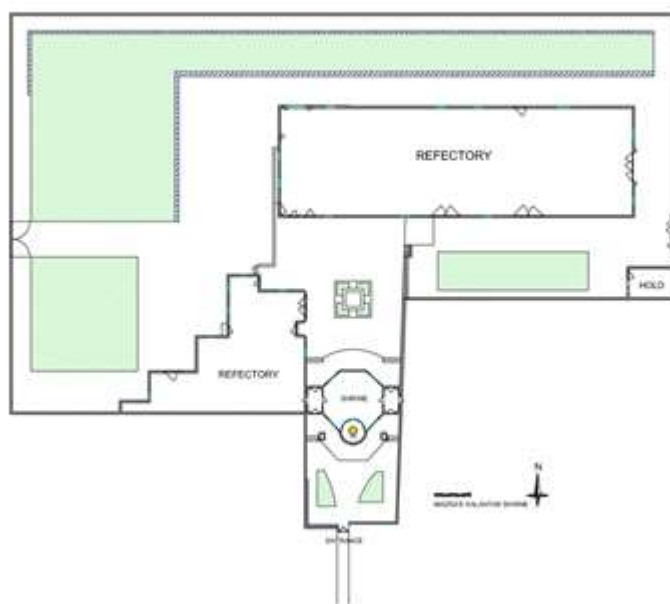
نویسنده بر خود لازم می‌داند که از مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم و فن‌آوری که طرح پژوهش باستان‌شناسی روستاهای زرتشتی یزد را حمایت نموده و آن را در مرکز مطالعات مصوب نموده‌اند تشکر و قدردانی نماید. از

ریاست مرکز مطالعات و همکاری‌های علمی بین‌المللی وزارت علوم و فن‌آوری و تمامی همکاران شاغل در آن که در انجام این پروژه همکاری‌های بی‌شائبه‌ای داشته‌اند قدردان و متشکر می‌باشم. در این پژوهش بسیاری از محققان و مردم محلی یارای ما در طول کارهای میدانی بوده‌اند. از دهیاری دو روستای مزرعه کلانتر و همچنین روستای حسن‌آباد میبد و اردکان که صمیمانه با گروه باستان‌شناسی همکاری‌های لازم را داشته‌اند بسیار قدردان می‌باشیم. به‌طور ویژه از خانم دلنواز جوانمرد، مهربان سامیار، آقای ارسطو شاهی، فرامرز خادمی، رستم اسفندیاری کلانتر، غلامرضا مروتی، شهناز سهرابی، مهتاب کیانیان، کتایون خادمی، گلرخ خادمی، سرور خادمی و پردخت جمشیدی که جزو مصاحبه‌شوندگان اصلی بوده‌اند از صمیم قلب از نامبردگان تشکر نماییم. بسیاری از نامبردگان ساکن در روستای مزرعه کلانتر و حسن‌آباد با گشاده‌رویی در خانه‌هایشان را بر روی تیم باستان‌شناسی باز نموده و با گشاده‌رویی از ما پذیرایی کردند. دعای خیر و آرزوی سلامت برای همه این عزیزان دارم. همچنین از معاونت سازمان میراث فرهنگی آقای دکتر طالبیان معاون میراث فرهنگی، سازمان میراث فرهنگی استان یزد (بخصوص محسن میرجانی)، میراث فرهنگی شهرستان میبد، موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران دکتر حسن طلایی، احمد علیاری و همچنین معاون روابط بین‌المللی دانشگاه تهران کمال تشکر را داریم. دانشگاه آزاد میبد همه‌گونه همکاری لازم را با تیم پژوهش داشته و امکانات لجستیکی لازم را برای انجام کارهای میدانی در اختیار ما قرار داده است. از آقای دکتر اسلامی که در طول مأموریت تحقیقات میدانی یک پای تیم تحقیقاتی بوده‌اند بی‌نهایت سپاسگزارم. افراد بسیاری به‌طور مستقیم و غیرمستقیم کمک‌حال تیم پژوهش بوده‌اند که نام آن‌ها شاید از قلم‌افتاده باشد که جا دارد از این عزیزان هم متشکر و قدردان باشیم. نوشتار حاضر حاصل زحمات تیم پژوهشی متشکل از اساتید و دانشجویان گران‌قدری بوده است که با تمام وجود به تدوین طرح حاضر پرداخته‌اند. از اعضای طرح پژوهشی دکتر سید طاها هاشمی، از خانم دکتر روث یانگ، دکتر حسین عزیزی، سپیده جمشیدی یگانه، زینب نظری طهرانی، حمید عزیزی، لقمان احمدزاده، اشکان پوریان بی‌نهایت سپاسگزارم.

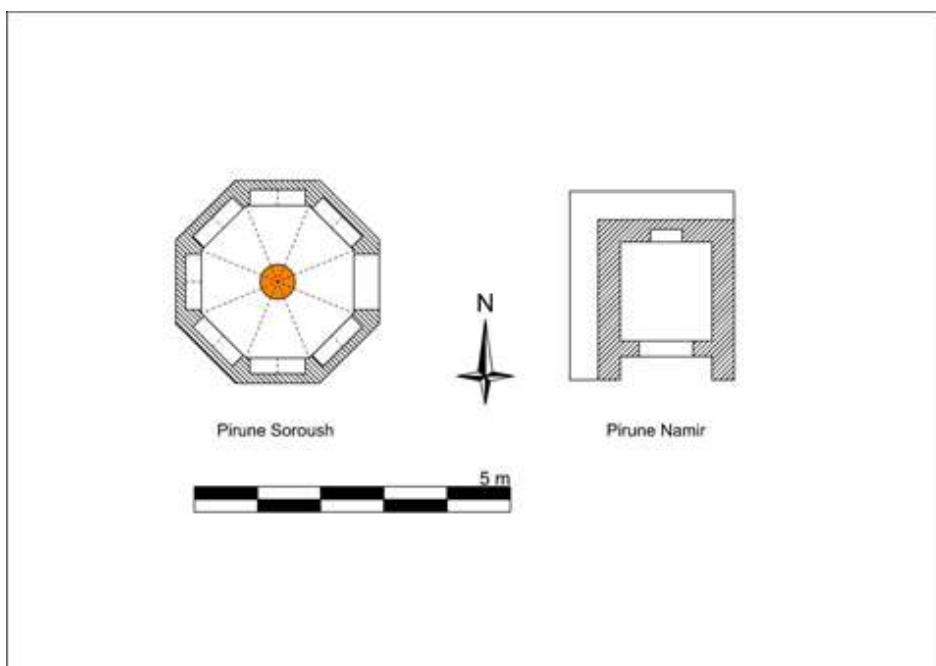
پیوست‌ها



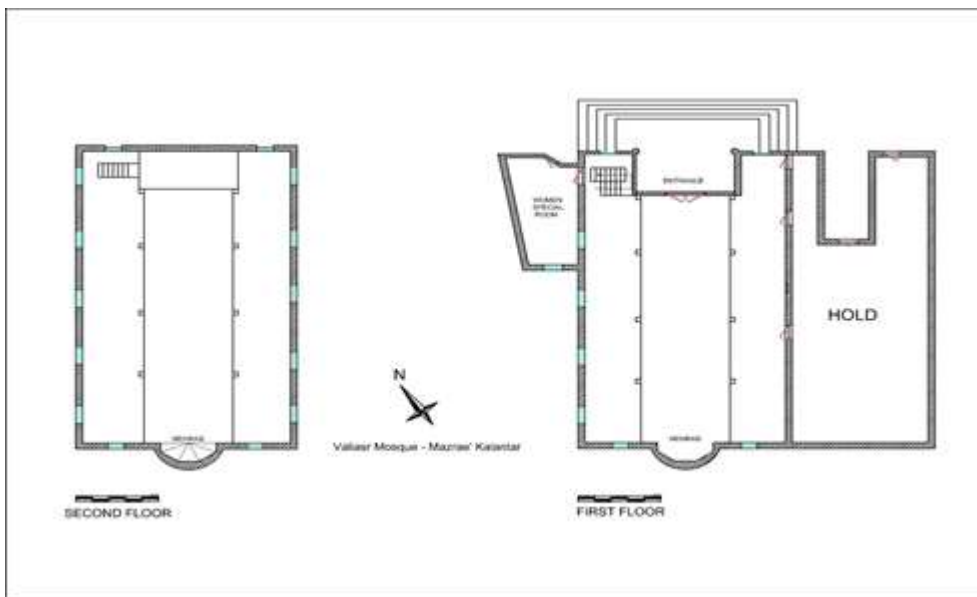
تصویر ۱: عکس هوایی مزرعه کلانتر



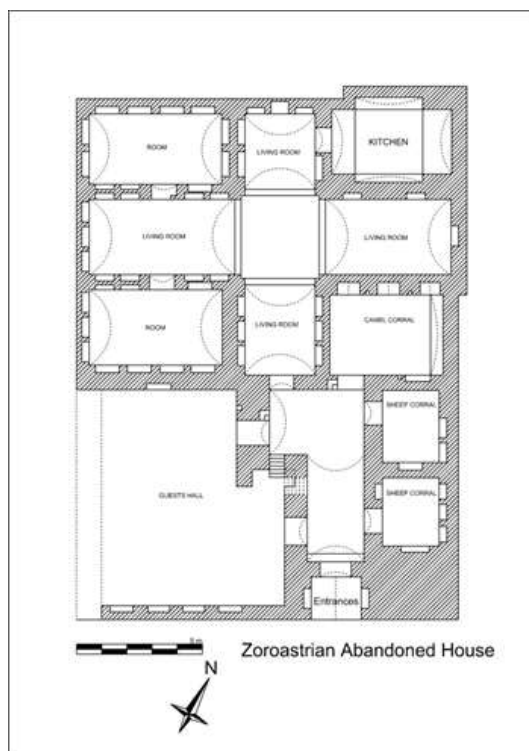
تصویر ۲: پلان آتشکده مزرعه کلانتر



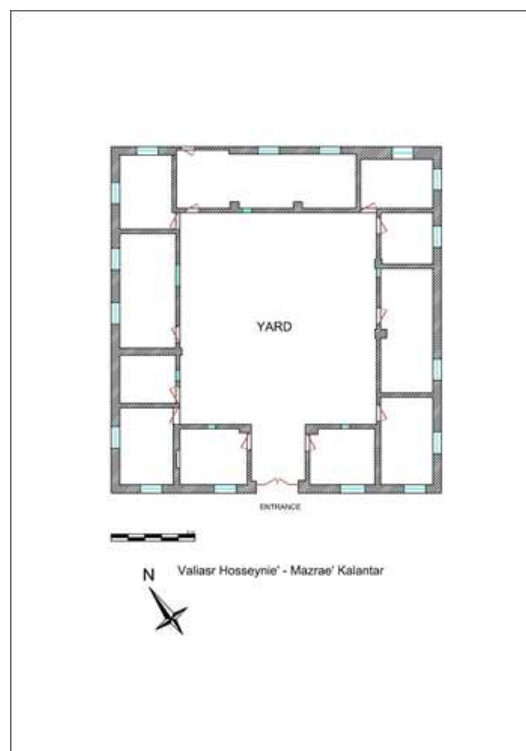
تصویر ۳: پلان پیرون سروش در مزرعه کلانتر



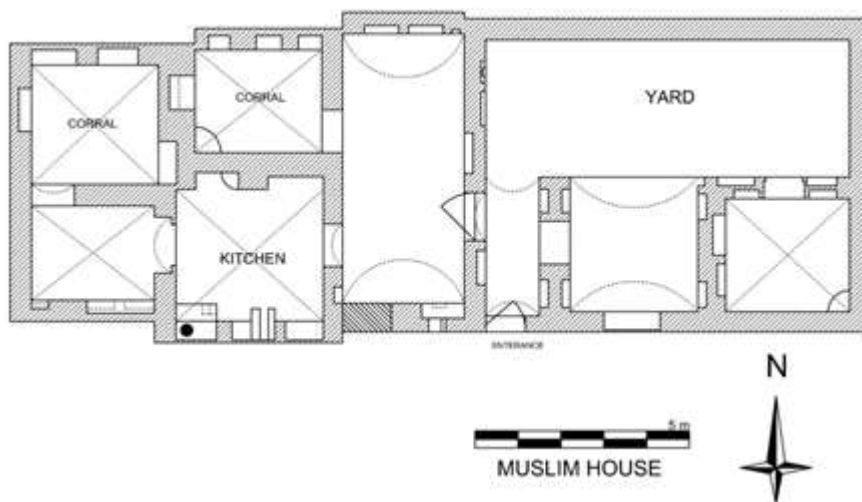
تصویر ۴: پلان مسجد ولیعصر در مزرعه کلانتر



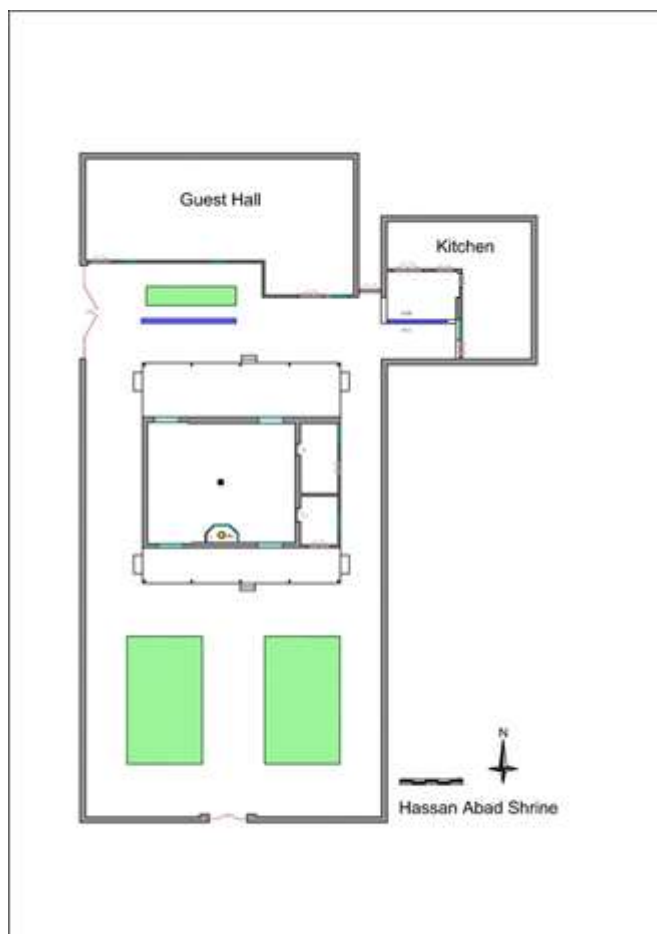
تصویر ۶: پلان خانه متروک زرتشتیان در مزرعه کلانتر



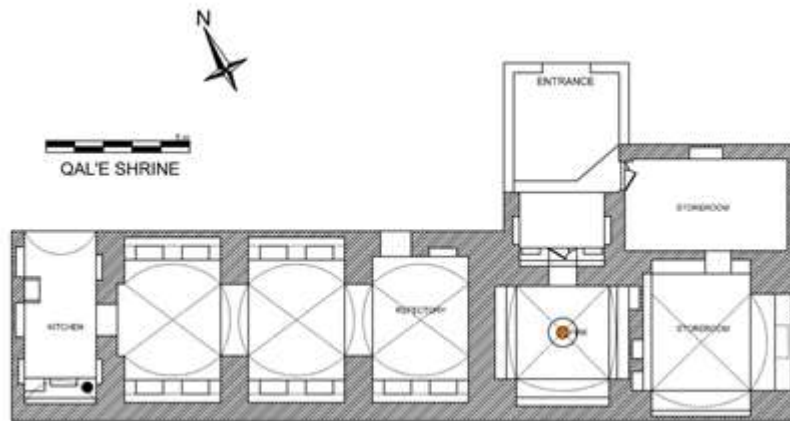
تصویر ۵: پلان حسینیه مزرعه کلانتر



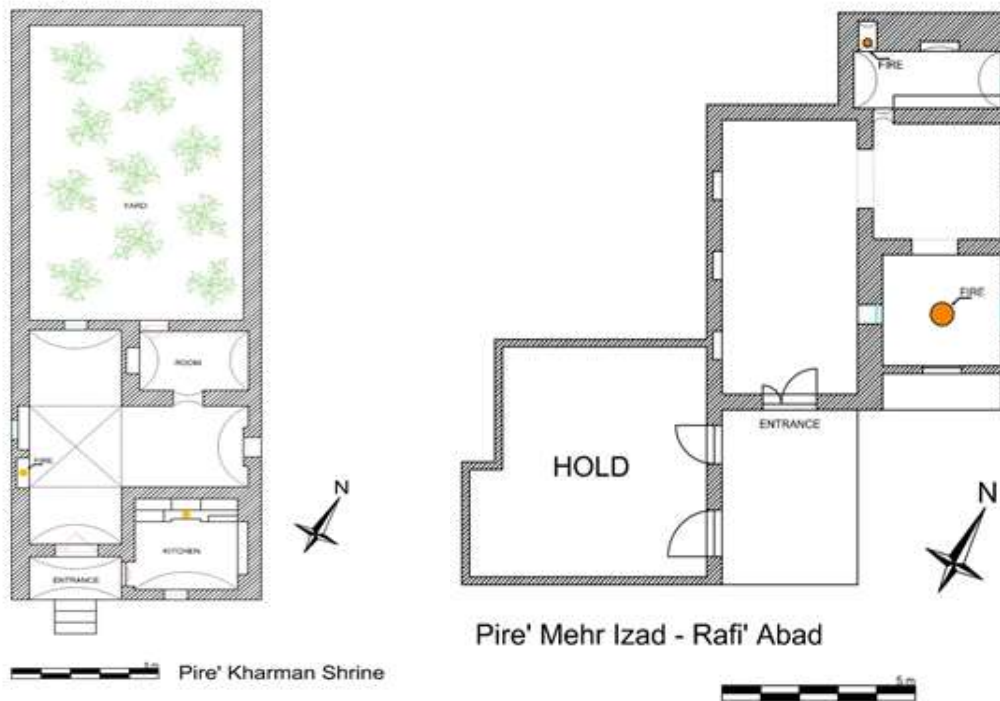
تصویر ۷: پلان خانه مسکونی مسلمانان در مزرعه کلانتر



تصویر ۸: پلان آتشکده حسن آباد



تصویر ۹: پلان آتشکده قلعه در حاشیه مزرعه کلانتر



تصویر ۱۱: پلان آتشکده پیرخرمن

تصویر ۱۰: پلان آتشکده پیرمهر ایزد در رفیع‌آباد

منابع

سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح (۱۳۸۰). فرهنگ آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران: استان یزد. جلد دوم، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). سرشماری عمومی نفوس و مسکن. پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران: <http://www.amar.org>

مهندسین مشاور پویش جامع (۱۳۹۱). طرح هادی زیر ۵۰ خانوار مزرعه کلانتر. یزد: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی یزد.

Orser, C. E., 1996. *A Historical Archaeology of modern world*, New York: Springer.

Scham, S. A., 2001. *The archaeology of disfranchised*, *Journal of Archaeological Method and Theory*, 8 (2):183-213.

Wolf, E., 1982. *Europe and people without history*, Berkley: University of California Press.